



# Sagor för barn på svenska

[berattelser.se](http://berattelser.se)

پښتانه ی کورجی: دانستنی وانگاری ساتی

Skriven av: Nicola Rijdsdijk

Illustrerad av: Maya Marshak

Översatt av: Marzieh Mohammadian Haghghi

Denna saga kommer från African Storybook ([africanstorybook.org](http://africanstorybook.org)) och vidarebefordras av Sagor för barn på svenska (<http://berattelser.se/>), som erbjuder sagor på många språk som talas i Sverige.

Detta verk är licensierat under en Creative Commons

[Erkännande 4.0 Internasjonal Lisens.](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/deed.sv)

<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/deed.sv>

پښتانه ی کورجی: دانستنی وانگاری ساتی



✎ Nicola Rijdsdijk

👤 Maya Marshak

📧 Marzieh Mohammadian Haghghi  
😊 persiska  
|| nivå 3





در روستایی روی سرازیری کوه کنیا در شرق آفریقا، دختر  
کوچکی با مادرش روی زمینی کار می کرد. اسم آن دختر  
وانگاری بود.

وانگاری از پیروان بودن می‌پردازد. در اینجا چه می‌گذرد  
 جانوران و گیاهان که مخصوصاً غذای آن‌ها را در زیر جای  
 گرم فرود می‌آورد و روی آن با جای می‌پوشانند.

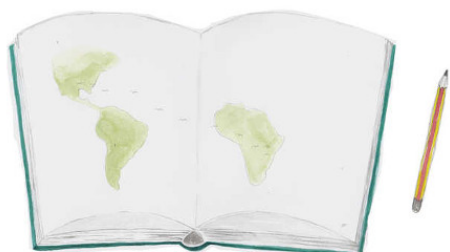




بهترین زمان مورد علاقه ی او در طول روز، زمان غروب بود. زمانی که خیلی تاریک می شد و نمی شد گیاهان را دید، وانگاری می دانست که دیگر باید به خانه برگردد. او از کنار رودخانه ها و مسیرهای باریکی که در بین زمین های کشاورزی بود رد می شد.

وانگاری در سال 2011 از دنیا رفت، ولی ما هر وقت که به یک درخت زیبا نگاه می کنیم به یاد او می افتیم.





او به یادگیری علاقه داشت! وانگاری با خواندن هر کتاب مطالب بیشتر و بیشتری یاد گرفت. او در مدرسه عالی بود به طوری که برای ادامه تحصیل به ایالات متحده ی آمریکا دعوت شد. وانگاری هیجان زده بود! او می خواست که بیشتر در مورد دنیا بداند.



همچنان که زمان می گذشت، درخت های جدید در جنگل ها رشد کردند، و رودخانه ها دوباره جاری شدند. پیام وانگاری در سرتاسر آفریقا پیچید. امروزه میلیون ها درخت از بذرهای وانگاری رشد کرده اند.

وانگاری می‌دانست که چه کار کند. او به زنان یاد داد که چگونه می‌توانند با استفاده از دانه‌ها درخت بکارند. زنان درخت‌ها را می‌فروختند و از پولش برای مراقبت از جانوران استفاده می‌کردند. زنان خیلی خوشحال بودند که آنها کمی به آنها کمک کرده بود که احساس قدرتمندی و نیرومندی کنند.



در دانشگاه آمریکا وانگاری چیزهای جدید زیادی یاد گرفت. او در مورد گیاهان و اینکه چگونه رشد می‌کنند درس می‌خواند. و به یاد می‌آورد که چگونه بزرگ شده می‌خواند. به یاد می‌آورد که چگونه در زیر سایه درختان در می‌خواند. به یاد می‌آورد که چگونه بزرگ شده می‌خواند. او در مورد گیاهان و اینکه چگونه رشد می‌کنند درس می‌خواند. در دانشگاه آمریکا وانگاری چیزهای جدید زیادی یاد گرفت.





هر چه بیشتر یاد می‌گرفت، بیشتر می‌فهمید که چقدر مردم کنیا را دوست دارد. او می‌خواست که مردم شاد و آزاد باشند. هر چه بیشتر یاد می‌گرفت، بیشتر خانه‌ی آفریقایی‌اش را به یاد می‌آورد.



وقتی که تحصیلاتش به پایان رسید، به کنیا برگشت. ولی شهرش تغییر کرده بود. مزرعه‌های خیلی بزرگ در طول زمین گسترده شده بودند. زن‌ها دیگر هیزم برای آشپزی نداشتند. مردم فقیر بودند و بچه‌ها گرسنه.